

گزارشی از مراسم یادمان زندانیان سیاسی جان باخته در دهه ۶۰ در لندن!



بمناسبت بزرگداشت خاطره هزاران تن از زندانیان سیاسی کمونیست و مبارزی که در دهه ۶۰ بدست رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به قتل رسیدند، و در همبستگی با خیزش بزرگ توده ها بر علیه نظام ظالمانه حاکم، روز شنبه ۳ اکتبر در بیست و یکمین سالگرد قتل عام سال ۶۷ به ابتکار **فعالین چریکهای فدایی خلق و سازمان دمکراتیک ضد امپریالیستی ایرانیان در انگلستان** مراسم بزرگداشتی در سالن کتابخانه ایزلینگتون شهر لندن برگزار شد که با استقبال ایرانیان مبارز مقیم لندن مواجه شد. سالن مراسم با تصاویر متعددی از صحنه های خیزش قهرمانانه اخیر مردم بر علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، تصاویری از سرکوب و کشتار و شکنجه مردم و همچنین عکسهای جانباختگان این خیزش تزئین شده بود. شعارهای جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد نیز در چند جای سالن نصب شده بود.

برنامه بزرگداشت خاطره زندانیان سیاسی جان باخته در دهه ۶۰



از چند قسمت تشکیل شده بود. در ابتدای برنامه و پس از دکلمه شعری که در گرامیداشت خاطره جانبختگان دهه ۶۰ و ستایش آرمانهای والای آنها سروده شده بود، جمعیت حاضر یک دقیقه به یاد تمامی کمونیستها و مبارزین جانباخته کف زد. سپس ناهید با صدای رسای خود قطعه کوتاهی را به یاد جانبختگان جنبش مردمی اجرا کرد. بعد سخنرانان به ارائه نظرات خود پرداختند. پس از تنفسی کوتاه یک اطلاعیه در بزرگداشت خاطره قربانیان قتل عام سال ۶۷ قرائت شد و سپس حسن جداری تعدادی از اشعار مبارزاتی خود را برای جمعیت حاضر قرائت نمود. در ادامه برنامه ناهید بار دیگر به هنرنمایی پرداخت و همراه با جمعیت سرود "سر اومد زمستون" را خواند و بالاخره یک ترانه زیبای افغانی بنام "من برای شکستن قفل ها آمده ام" توسط "ناله واسع" در انتهای برنامه اجرا شد که همگی مورد توجه شرکت کنندگان در این جلسه قرار گرفت.

بخش اصلی این برنامه به سخنرانی ۲ تن از زندانیان سیاسی سابق، رفقا محمد هشی و شهاب شکوهی که از کشتار سبوعانه سال ۶۷ جان بدر برده اند اختصاص داشت که در پرتو تجارب خود در

دوران اسارت بدست دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ ،



هر یک بحثی را در ارتباط با "بررسی نقش شکنجه و تجاوز در استمرار دیکتاتوری" مطرح کردند که مورد استقبال گرم حاضران در سالن قرار گرفت. در این بحثها به زوایای مختلفی از مساله فوق پرداخته شد. یکی از نکات محوری بحثهای ارائه شده، یادآوری نقش مهره های جنایتکار و جناح های ضد خلقی ای از هیات حاکمه (نظیر موسوی، کربوی، رفسنجانی و خاتمی) در قتل عام نسلی از بهترین فرزندان انقلابی و مبارز خلقهای تحت ستم در دهه ۶۰ بود که امروزه فریبکارانه در نقش منجی و طرفدار مردم تحت ستم وارد صحنه شده و در صددند تا انرژی جنبش مبارزاتی توده های بپا خاسته و بویژه جوانان را در چارچوب اختلافات جناح های هیئت حاکمه نظام استثمارگرانه حاکم به هرز برده و نظام تبهکار جمهوری اسلامی را همچنان حفظ و صیانت کنند. در بخش دیگری از بحثهای ارائه شده تاکید شد که برخلاف تبلیغات فریبکارانه جاری، مساله شکنجه و تجاوز نه یک رفتار اعمال شده و منحصر بفرد دولت احمدی نژاد مزدور بلکه جزء لاینفک حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی از اولین روزهای روی کار آمدنش و به خصوص در دوران زمامداری دارو دسته موسوی فریبکار در ایران بوده که با هدف سرکوب نهضت آزادیخواهانه مردم ایران و حفظ نظام سرمایه داری حاکم صورت پذیرفته و اتفاقا در دهه ۶۰ و در زمان اوج

یابی مبارزات مردم و سازمانهای انقلابی، جهت سرکوب این مبارزات، شکنجه و تجاوز در هر جا که نیاز طبقه حاکم بوده به وحشیانه ترین وجهی بر علیه مبارزین و انقلابیون در درون سپاه چالهای رژیم بکار گرفته شده است.

در جریان بحثهای جلسه، سخنرانان با ارائه فاکتهای روشن و



مستدل نشان دادند که به دلیل نیاز نظام و طبقه استثمارگر حاکم برای بقای خویش و تداوم سرکوب توده هاست که گردانندگان رژیم جمهوری اسلامی کوشیده اند تا شکنجه را تحت عنوان تعزیر قانونیت بخشند. تاکید بحثها بر این بود که برغم تبلیغات فریبکارانه وسیع جاری در مورد شدت اختلافات بین دارو دسته های حاکم ، گر چه این اختلافات یک امر واقعی و عینی بوده ولی تا آنجا که به مساله حفاظت از نظام سرمایه داری حاکم باز میگردد، همه جناحهای ارتجاعی این رژیم از رهبر و احمدی نژاد گرفته تا موسوی و باصطلاح اصلاح طلبان موضع واحدی داشته و نمی خواهند که کوچکترین گزندى به این نظام و رژیم حافظ اش، جمهوری اسلامی، وارد شود.

بخش دیگری از برنامه به پرسش و پاسخ و بحث آزاد از سوی حاضرین اختصاص یافته بود. در این قسمت از برنامه نیز شماری از شرکت کنندگان نظرات خود در مورد نقش اسلام در توجیه سرکوب

مبارزات مردم، زمینه های اقتصادی سرکوب، چرایی شدت و وسعت تجاوز به زنان و بالاخره ماهیت سیستم و نظامی که شکنجه را ایجاد می کند با جمع و با سخنرانان در میان گذاشته و سوالاتی را نیز مطرح کردند. یکی از سوالهای شرکت کنندگان در این قسمت به مساله امکان "تحول" و "دگرگونی" در افکار و مواضع برخی از کارگزاران حکومت و این که بالاخره امکان دارد "موسوی" و همفکرانش نیز "تغییر" کرده باشند بازمی گشت. در این مورد نیز در پاسخهای ارائه شده توسط سخنرانان مطرح شد که مردم باید از هر تغییر واقعی ای و نه ادعایی در مواضع چنین افرادی استقبال کنند اما با توجه به اظهارات و عملکردهای تاکنونی خود موسوی و جناحش، و یا حتی ادعاهای افراد دیگری نظیر گنجی و سازگارا و ... که تا دیرزمانی خادم صادق و کارگزار دستگاه کشتار و شکنجه حاکم بوده اند کوچکترین نشانه عملی ای از این تغییر مواضع به چشم نمی خورد و بطور مثال این افراد تا کنون حتی حاضر نشده اند که در مورد جنایات زمان خود و ابعاد و نقششان در آنها یک کلمه با مردم و بویژه هزاران تن از خانواده های اعدام شدگان و زندانیان سیاسی در میان گذاشته و حداقل معذرت خواهی کنند. امری که نشاندهنده عدم وجود کوچکترین عنصر صداقت در ادعاها و تبلیغات کنونی آنهاست.

بطور کلی در جریان بحثهای سیاسی مطرح شده در قسمت اصلی برنامه ، این واقعیت مبارزاتی که جمهوری اسلامی با تمام جناح های تشکیل دهنده ارتجاعیش دشمن اصلی مردم ماست و سرنگونی آن شرط حداقل برای دستیابی به یک نظام عادلانه، دمکراتیک و مردمی و عاری از شکنجه و دیکتاتوری ست با استناد به تجارب عینی زندگی و بویژه تجربه زندانیان سیاسی در ایران مورد تاکید قرار گرفت.

فعالین چریکهای فدائی خلق ایران در لندن
۱۳ مهر ۱۳۸۸ - ۵ اکتبر ۲۰۰۹